

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی - ترویجی
راهبردهای نوین تربیت معلمان
سال ششم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

واکاوی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم

طیبه تجری^۱
زهرا حجازی^۲
سارا اسپو^۳
سرور اسپو^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف «واکاوی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم» انجام شد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام شد. جامعه آماری دربرگیرنده معلمان و اعضای هیئت علمی متخصص در حوزه علوم قرآنی بودند که شیوه انتخاب آن‌ها هدفمند و از نوع گلوله‌برفی بود. در مجموع با ۲۱ نفر مصاحبه شد که دربرگیرنده پانزده معلم و شش عضو هیئت علمی دانشگاه بودند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند در طی سه مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی تحلیل شد. نتایج پژوهش در قالب مدل پارادایمی و مدل مفهومی به این صورت شکل گرفت. هدف

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۶
Ati.tajari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۷

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)
۲. دانش‌آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
۳. دانش‌آموخته کارشناسی دانشگاه فرهنگیان
۴. دانش‌آموخته کارشناسی دانشگاه فرهنگیان

(اثبات حقانیت قرآن)، محتوا (اولویت‌های انتخاب محتوا: به‌کارگیری مضامین ملموس جهت تأثیرگذاری بیشتر بر فراگیران)، روش‌های یاددهی، یادگیری، (قصه‌پردازی، روش تصویری، ایفای نقش، روش پرسش و پاسخ)، نقش معلم (ویژگی‌ها و مسئولیت‌های معلم)، ارزشیابی (روش‌های ارزشیابی و ابزارهای ارزشیابی)، عوامل زمینه‌ای (سواد قرآنی معلم و خانواده و مدرسه) و نتایج تربیتی (پرورش سجایای انسانی، تحکیم ارتباط با قرآن، کسب نگرش توحیدی). برای به‌دست‌آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از روش لینکلن و گوبا، روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد.

کلید واژه‌ها: تربیت زیبایی‌شناسی، آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم، تربیت معلم، برنامه‌درسی.

مقدمه

تربیت در اصطلاح به مجموعه تدابیر و روش‌هایی گفته می‌شود که برای ایجاد و ابقا و کمال ادراکات در متربی صورت می‌پذیرد (رشیدی، ۱۳۹۸). فرایند تربیت از واقعیت‌های پیچیده و گسترده و بسیار تأثیرگذاری است که از دیرباز در همه جوامع بشری موضوع درخور تدبر و مطالعه بوده است و بیانگر ارزش‌های نمادین هر نظام آموزشی است (طهماسب‌زاده شیخ‌لار و علم‌الهدی، ۱۳۹۸). تمرکز بر این فرایند نشان می‌دهد که هیچ نظام تربیتی را نمی‌توان یافت که برای تربیت انسان‌ها کوشش کند؛ ولی جهت‌گیری مشخص در این کار نداشته باشد. در جهان امروزی با وجود مسائل و معضلات فردی و اجتماعی، تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس رویکرد زیبایی‌شناختی در نظام آموزشی یک ضرورت است (طهماسب‌زاده شیخ‌لار، ۱۳۹۳)؛ بنابراین تعلیم و تربیت، عرصه‌ها و وجوه گوناگونی دارد که زیبایی‌شناسی به‌منزله بخشی بنیادی از آن است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۸). به‌زعم حسین‌پور و دیگران (۱۳۹۳) حس زیبایی‌شناسی نیرویی بالقوه در انسان است که با تربیت به شکوفایی و ظهور و تکامل می‌رسد؛ همچنین شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۵) اصرار می‌ورزند که تربیت زیبایی‌شناسی می‌تواند بستری مناسب برای رشد، تعالی، درک و تجربه ارزش‌های والا باشد؛ زیرا اساساً یکی از نیازهای فطری انسان میل به زیبایی است. ماکسین‌گرین (جاویدی‌کلاته‌جعفرآبادی و عبدلی، ۱۳۹۶) درصدد به‌دست‌آوردن راهبردهایی عملی

برای تربیت زیبایی‌شناسی است. در سیستم‌های آموزشی، افراد زیادی مشغول به کارند و فعالیت‌های آن‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان مؤثر است؛ اما در این میان، نقش معلمان ابتدایی از دیگر افراد بسیار برجسته‌تر می‌نماید؛ چنان‌که دانش‌آموزان بیشتر اوقات را در مدرسه زیر نظر آن‌ها سپری می‌کنند و عوامل دیگر هم فراهم‌آورنده‌ی زمینه برای فعالیت معلم‌هاست؛ از این‌رو بسیاری از دانش‌آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید، شکل‌گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می‌دانند. معلم دوره‌ی ابتدایی با شناخت امکانات و علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح تعلیم و تربیت هدایت می‌کند؛ چراکه موفقیت در مدارس و جامعه مستلزم آن است که دانش‌آموزان عقاید معلمان را بپذیرند؛ با توجه به آنچه گفته شد، معلمان دوره‌ی ابتدایی به شیوه‌های گوناگون می‌توانند در یادگیرندگان حس زیبایی‌شناسی را پرورانند. آن‌ها بر این باورند که خلاقیت زیبایی‌شناسی به همان اندازه خلاقیت علمی مهم است؛ چراکه تربیت زیبایی‌شناختی به رشد ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان کمک می‌کند (دولاپ‌جیوگلو، یورکان و کاراکوس، ۲۰۱۹). هدف از تربیت زیبایی‌شناسی، توسعه‌ی توانایی فراگیران برای درک و فهم زیبایی طبیعت در هنر و زندگی اجتماعی، توسعه‌ی حس زیبایی‌شناسی و توانایی درک واقعیت‌ها، احساسات، عقاید و مفاهیم زیباشناسانه است؛ در واقع هدف آن است که افراد عضو مفید و مؤثر اجتماع و فرهنگ شوند (کرمی و یوسف‌زاده، ۱۳۹۷). پاپوشینا (۲۰۱۷) در مقاله خود تحت عنوان «شکل‌گیری فرهنگ زیبایی‌شناسی آموزشی دانش‌آموزان در تجربه انگلیس» بیان می‌کند که سیستم آموزش انگلیس امکاناتی مهیج برای تمرین زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان و توسعه‌ی منافع زیبایی‌شناختی آن‌ها ارائه می‌دهد. جان دیویی نیز از جمله نظریه‌پردازانی است که در زمینه‌ی زیبایی‌شناسی و هنر اظهار نظر داشته است (نوربخش و خیرآبادی، ۱۳۹۸). او زیبایی‌شناسی را به انواع معینی از تجربه‌هایی که ممکن است فرد در هر جنبه‌ای از زندگی دارا باشد، نسبت داده است. دیویی معتقد بود که انسان، نیاز به یافتن خویش دارد و این موضوع از طریق زیبایی‌شناسی انجام می‌شود (کرمی و یوسف‌زاده، ۱۳۹۷)؛ همچنین، تربیت زیبایی‌شناسی بر مبنای آثار هری برودی دربرگیرنده‌ی داشتن «موهبت طبیعی مشترک و همگانی زیبایی‌شناسی انسان‌ها»، «تعلیم و تربیت‌پذیری زیبایی‌شناسی»، «تجربه» و «نیروی تخیل» است. از طرفی هربرت نیز بعد زیبایی‌شناختی هنر را در نقطه‌ی مقابل «تک‌بعدی بودن» جامعه انبوه و فرهنگ انبوه قرار

می‌دهد. از دید وی هنر بیش از صرف «نفی» است؛ بنابراین دارای وجه اثباتی و رهایی است؛ حتی صورت‌بندی زیباشناسانه نیز در بستر این وجه دوگانگی دیالکتیکی صورت‌تحقق به خود می‌گیرد. شکل‌بندی هنری همواره به‌حکم قانون امر زیبا جریان می‌یابد و دیالکتیک نفی و اثبات، اندوه و تسلی، دیالکتیک‌های امر زیباست. آیزنر نیز همواره این دل‌مشغولی را داشته است که مدارس ارزش هنر را نادیده گرفته‌اند. او معتقد است که محیط، نگرش‌های هنری را شکل می‌بخشد و تعلیم و تربیت هنری سهم بسزایی در رشد بچه‌ها دارد. او تأکید بر انتقاد زیباشناسی در آموزش هنری دارد. سازمان‌دهی هنری و زیبایی، مربوط به نوعی خلاقیت است که چیز جدیدی خلق نمی‌کند. او معتقد است که جهت‌گیری‌هایی که در آن تنها به بچه‌ها مواد هنری ارائه می‌شود، به این امید که خلاقیت آن‌ها به جریان بیفتد، به برنامه‌هایی فاقد ساختار، دارای محتوای هنری محدود و اهداف سطح پایین منجر می‌شود. از نظر فارابی هم اگرچه هنر و زیبایی‌شناسی ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند، ارتباط مستقیم با بحث زیبایی‌شناسانه، چیستی زیبایی است. فارابی در مقام‌های معدود و مختلفی از زیبایی و حدت و مرز آن سخن گفته است. وی زیبایی را معقول‌ثانی فلسفی و به‌عبارت‌دیگر مفهومی وجودی و عینی می‌داند؛ زیرا زیبایی را متعلق به شیء یا وجود می‌داند. در این راستا قرآن، کلام وحی، کلام خداوند و خالق انسان، عام و فراگیر است؛ زیرا در کلیات و حتی بسیاری از جزئیات حیات بشر به عالمانه‌ترین شیوه‌ها وارد شده است و با بلاغت بی‌نظیر خود یکی از رمزهای شگفت‌آور در تأملات زیبایی‌شناختی است و توجه انسان را به بهره‌گیری از زیبایی منظره آسمان‌ها فراخوانده است و می‌فرماید: «به‌راستی ما آسمان دنیا را با چراغ‌های فروزانی زینت بخشیدیم» (ملک، ۵) یا توجه انسان را به زیبایی‌های طبیعت در زمین و بیش از همه گیاهان و درختان، جلب کرده است: «و انواع گیاهان زیبا و شادی‌بخش را می‌رویند» (حج، ۵)؛ همچنین زیبایی‌هایی که در خلقت انسان تدارک دیده است را به رخ می‌کشد و می‌گوید: «شما را تصویر نمود و در بهترین (و زیباترین) صورت آفرید» (تغابن، ۳). از این رو رسول اکرم می‌فرماید: «خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد» (شرح اصول کافی ملا صالح‌مازندرانی، ج ۱۰، ص ۳۱۱). شریفی (به‌نقل از کاویانی، ۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «منظومه مفهومی زیبایی‌شناسی در پرتو آیات قرآن کریم» به این نتیجه رسیده است که منظومه‌ای از مفاهیم مادی، معنوی، اخلاقی و ماوراء طبیعی در پرتو درک واژگان دال

بر زیبایی‌شناسی در قرآن با یکدیگر پیوستگی دارد و طرحی جامع و منسجم از زیبایی ارائه می‌کند (به نقل از طهماسب‌زاده شیخ‌لار، ۱۳۹۳). لازم است سیاست‌گذاران، محققان و معلمان به جایگاه تربیتی زیبایی‌شناسی به‌عنوان رویکرد یا بستری برای برنامه‌درسی بیشتر توجه کنند؛ همچنین ریمر (۱۹۸۰) در مقاله خود درباره ساخت برنامه‌درسی در تربیت زیبایی‌شناسی بحث کرد که نتایج تحقیق وی نشان داد، در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قراردادن هنر و زیبایی‌شناسی به‌عنوان هسته اصلی برنامه‌درسی یا اصلاح نظام آموزشی است (پورحسینی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، دربردارنده بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی، ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیبان، توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی (مادی یا معنوی)، توان خلق آثار هنری قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری است. با این هدف، نادری و دیگران (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که برنامه‌درسی به‌عنوان محور فعالیت‌های تربیتی، نخستین تجلیگاه تعلیم و تربیت است. هدف برنامه‌درسی از دیدگاه اسلامی کمک به رشد هماهنگ ابعاد معنوی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی فرد فراگیر و سوق‌دادن او به سوی خداست (روحانی‌سراجی و دیگران، ۱۳۹۸). معروفی و دیگران (۱۳۹۸) تأکید می‌کنند برنامه‌درسی قلب نظام آموزشی محسوب می‌شود و نقش کلیدی و حساس در تغییر و اصلاح نظام آموزشی ایفا می‌کند. وقتی که فرآیند رشد همه‌جانبه دانش‌آموز از تعادل خارج می‌شود، آموزش و تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی، به‌عنوان یک راهکار می‌تواند در برقراری مجدد هماهنگی بین جنبه‌های مختلف شخصیت دانش‌آموزان راهگشا باشد (اسدیان و عزیزی، ۱۳۹۷). به‌زعم دیویی برنامه‌درسی نباید به‌عنوان امر بیرونی، زندگی یادگیرنده را اشغال کند؛ بلکه باید از طریق آزادی بیان و هدایت این فرآیند به‌وسیله معلم و ترویج غیررسمی بودن، زمینه‌های رشد را فراهم کند (تلخابی، ۱۳۹۸). نظر به اینکه هسته اصلی شخصیت کودکان در دوره آموزش ابتدایی شکل می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸)، از طریق آموزش‌هایی که فراگیران در مدارس ابتدایی دریافت می‌کنند، برای زندگی در جامعه در حال تغییر آماده می‌شوند (فتحی‌واجارگاه و دیگران، ۱۳۹۸).

با این توضیحات و با توجه به اینکه دوره ابتدایی وظیفه تجهیزکردن دانش‌آموزان به

زیبایی‌شناسی را دارد و باتوجه‌به مسائل و مشکلات زیبایی‌شناسی و در سطح جامعه در سطح مدارس به‌طور اخص، اینجا این مسئله مطرح می‌شود که در طراحی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی چه ویژگی‌هایی باید درخور توجه قرار گیرد؛ بنابراین برای طراحی الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی، از قرآن کریم که اصلی‌ترین منبع دینی و سرچشمه اصیل معارف اعتقادی و اخلاقی و عملی اسلام است، به‌عنوان مبنای نظری پژوهش و نظر متخصصان استفاده می‌شود. هدف کلی این تحقیق طراحی الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم بود. پژوهش حاضر سؤالات زیر را دنبال می‌کند و سؤالات تحقیق به این صورت است که:

۱. برای ارائه برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم چه الگویی را می‌توان طراحی کرد؟
۲. اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی و هنر به‌عنوان یکی از مبانی برنامه درسی در ابتدا مستلزم ورود زیبایی‌شناسی و هنر به دانش علوم تربیتی و مطالعات برنامه درسی است که این گام را تا حدودی صاحب‌نظرانی از قبیل آیزنر، اسمیت، والانس و دیگر افراد برداشته‌اند. انجل (۲۰۲۰) شیوه‌های بیان زیبایی‌شناختی را مطرح می‌کند؛ مثل بیان زیبایی‌شناسی مدرن که شرح‌دادن اثر هنری است، یا شیوه‌های دیگر بیان زیبایی‌شناسانه شامل سلیقه، انتقاد، تدبیر، لذت حسی و جذابیت است. دانیل بروان (۲۰۲۰) در پژوهش خود برخی از خصوصیات تجربه‌های زیبایی‌شناسی را درخور توجه قرار می‌دهد. تجربه زیبایی‌شناسی روشی است که انسان‌ها برای دیدار با محیط پیرامون خود، جهان، پدیده‌ها، شرایط - چه طبیعی و چه به دست خویش - ایجاد می‌کنند. این تجربه باعث احساسات و نوعی درک زیبایی‌شناختی در شخص می‌شود که آن را زندگی می‌کند. برای دستیابی به چنین درک زیبایی‌شناختی، به خصوصیات زیبایی‌شناسی مانند توجه فعال، گشودگی ذهنی خاص و تأملی غایب از علاقه شخصی لازم است. تجربه زیبایی‌شناسی ناشی از پاسخ به یک اثر هنری یا سایر اشیا زیبایی‌شناختی

است. نتایج پژوهش بلزیس (۲۰۲۰) حاکی از آن است که زیبایی‌شناسی به دانش‌آموزان در پیشرفت هوش هیجانی، توسعه مهارت‌های سواد تاریخی و کسب نمره‌های مطلوب در آزمون کمک می‌کند؛ همچنین بر اساس توجیحات آموزشی وی و تحقیقات مبتنی بر شواهد، شیوه‌های یادگیری و یادگیری مبتنی بر زیبایی‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است. آلبرس، فلینت و متیوز (۲۰۱۹) در پژوهش خود معلمان را درگیر تجربیات زیبایی‌شناسی یا تجربیاتی می‌کنند که با هنر دانش‌آموزان آمیخته شده است. لویز و جولیان (۲۰۱۸) نیز در تحقیق خود به امکان تصور آموزش زیبایی‌شناختی، می‌پردازند که می‌تواند به‌عنوان پایه و چهارچوب هر نوع تلاش آموزشی باشد. در این راستا اینوشن (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه‌دستی انتقالی در تدریس زیبایی‌شناسی بیان می‌کند: روشی برای خودکارآمدی» با استفاده از تئوری خودکارآمدی آلبرت بندورا در تدریس به این نتیجه رسید که استفاده از تئوری و تجزیه و تحلیل محتوا با توجه به مدل فلسفی جانسون، تدریس زیبایی‌شناسی و خودکارآمدی، پایه‌هایی برای نوآوری در برنامه‌دستی موفق به شمار می‌آید و موجب رشد و تعالی در آموزش و تدریس است که نتیجه آن یادگیری موفقیت‌آمیز است. نتایج تحقیقات شافعی و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی معرفت‌شناختی هنر و زیبایی‌شناسی اسلامی بر اساس قرآن و سنت» نشان می‌دهد که با توجه به تحلیل مفاهیم قرآنی در زمینه زیبایی‌شناسی می‌توان گفت که مقوله زیبایی با زندگی انسان پیوند داشته و به‌واسطه آموزش‌های دینی، معنای الهی پیدا می‌کند؛ همچنین نتایج پژوهش شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که تربیت زیبایی‌شناسی عبارت است از به‌کاربردن روش‌هایی در تعلیم و تربیت به نحوی که عنصر لذت و کمال و هماهنگی در هر تجربه انسانی در یک عملکرد آگاهانه استفاده شود و تمامی اشکال تعلیم و تربیت، جنبه‌های گوناگون از این تربیت محسوب شود. ملکی و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی بومی برنامه‌دستی دوره ابتدایی مبتنی بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر» به رویکرد برنامه‌دستی از منظر زیبایی‌شناسی و هنر پرداخته‌اند تا الهامات و آموزه‌های این حوزه برای برنامه‌دستی دوره ابتدایی در قالب الگویی ارائه شود؛ همچنین شواهد پژوهش نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی و هنر حوزه‌ای است که بهره‌گیری از توانمندی‌های آن برای تعلیم و تربیت و برنامه‌دستی مستلزم توجه و مدنظر قراردادن آن‌ها از سوی برنامه‌ریزان درسی است و اگر از صحنه عمل حذف شود، موجبات پرورش جنبه زیبایی‌شناسی فرد و همچنین تأثیر آن در پرورش جنبه‌های دیگر

فراهم نخواهد شد. به عبارت بهتر زیبایی‌شناسی و هنر به‌عنوان اساس و مبنا در طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌دستی به کار گرفته می‌شود؛ البته هیچ‌کدام از رویکردهای پرداختن به هنر و زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت متأسفانه در نظام‌های آموزشی جایگاه خویش را پیدا نکرده‌اند. وونگ (۲۰۰۵)، به نقل از فتحی‌واجارگاه، (۱۳۸۶) نیز برنامه‌دستی را به‌مثابه هنرها و دانستن زیباشناسانه مطرح می‌کند. پورحسینی و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به اهمیت کاوش در دلالت‌های زیبایی‌شناسی در فرآیند تدریس و یادگیری اشاره می‌کنند که با تأکید بر دیدگاه زیبایی‌شناختی جان دیویی انجام گرفته است. سعیدی و دارابی (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع اسلامی، چهارچوب ادراکی کاملی از ماهیت زیبایی‌شناسی را ارائه می‌کند.

همچنین مهرمحمدی و عابدی (۱۳۹۰) و مهرمحمدی (۱۳۸۰) مقاله‌هایی را در این زمینه نوشته‌اند که توانمندی زیبایی‌شناسی به‌معنای توانمندی در بررسی ویژگی‌های نمادین زیبایی‌شناختی اشکال به‌کاررفته در طراحی‌اش است که به درک زیبایی‌شناسانه از طریق ترکیب‌بندی به‌کاررفته منتهی می‌شود. طراح محتوای آموزشی با آگاهی از عناصر موجود در صفحه‌نمایش و فنون بصری و نیز روش‌های زیبایی‌شناختی ترکیب‌بندی، محتوای آموزشی را به‌شکلی هنرمندانه و زیبا به یادگیرنده ارائه می‌کند. ویژگی‌های ذاتی نظیر رنگ، شکل، حرکت و ریتم، احساسات زیبایی‌شناسانه را برمی‌انگیزند. چنین عواملی برای توانمندی زیبایی‌شناسی ضروری‌اند. نگاه زیبایی‌شناسانه به موقعیت روان‌شناسانه‌ای اشاره می‌کند که در آن اصول زیبایی‌شناسی به کار رفته‌اند. برخی ویژگی‌ها این احساسات را در ما برمی‌انگیزند. گاهی اوقات این اصول بارزند و گاهی نیستند. وقتی یک نوشته به‌صورت توپیر است، تصویری زیباست. یا متحرک است یا متقارن است. مبین این مسئله است که ویژگی‌هایی را داراست که احساسی زیباشناسانه را در ما برمی‌انگیزد. وقتی به اثری به‌طور زیباشناسانه می‌نگریم، آن را به شیوه‌ای می‌بینیم که اصول زیبایی‌شناسی نهفته در مفاهیم زیبایی‌شناسی را به کار می‌برد. نتایج پژوهش خرقانی (۱۳۸۹) در خصوص تبیین زیبایی‌شناسی در قرآن حاکی از آن است که با استفاده از قرآن کریم، نظام خاصی در زیبایی‌شناسی می‌توان طراحی کرد که پاسخ‌گوی نیازهای فکری و عملی بشر در این عرصه باشد و قرآن کریم منبعی غنی برای نگره‌های زیبایی‌شناسی و جهان‌بینی دین درباره‌ی زیبایی است؛ درواقع این پژوهش در پی اثبات وجود نظام واژه‌ای زیبایی‌شناختی در قرآن است.

روش

پژوهش حاضر بر اساس نظریه داده‌بنیاد، به‌عنوان یکی از روش‌های مطرح در پژوهش‌های کیفی که بر نوعی استقراء استوار است و به‌وسیله داده‌های منتج از پژوهش نظریه تولید می‌کند، انجام شد. در این روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و پژوهشگران به‌جای پیش‌فرض گرفتن یک نظریه با ورود به حوزه مورد مطالعه به داده‌ها اجازه دادند تا نظریه را پدیدآورند. در نظریه داده‌بنیاد، پژوهشگران گزینه‌هایی را انتخاب کردند که به آن‌ها در ساخت نظریه کمک کنند. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در این روش، متأثر از طرح و هدف پژوهش بود. از آنجایی که هدف پژوهش کاوش و کشف عناصر اصلی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم بود، هدف پژوهشگران انتخاب افرادی بود که با توجه به هدف پژوهش سرشار از داده بودند. از این نظر شیوه انتخاب آن‌ها هدفمند از نوع گلوله‌برفی بود تا بتوان از طریق افراد انتخاب‌شده درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه برای ساخت نظریه به دست آورد و این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه‌بندی مربوط به داده‌های اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شد. بر این اساس مشارکت‌کنندگان در مصاحبه به دو گروه تقسیم شدند: معلمان قرآن و اعضای هیئت علمی متخصص در زمینه علوم قرآنی. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه فردی تا زمان اشباع داده‌ها که مصاحبه با ۲۱ نفر (پانزده عضو هیئت علمی و شش نفر معلم) بود، ادامه یافت. زمان هر مصاحبه بین ۳۷ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی انجام شد. در کدگذاری باز، مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی و مفهوم‌پردازی و سپس بر اساس ارتباط مفهومی و مفاهیم و مقولات مشخص شدند. در کدگذاری محوری، ارتباط موجود میان طبقه‌ها، مقوله تعیین محتوا بر اساس ویژگی‌های مرتبط با سایر مقولات، محور بودن در پژوهش، تکرار در داده‌ها و انتزاعی بودن به‌عنوان مقوله محوری پژوهش حاضر، انتخاب و مطالعه شد و سایر مفاهیم نیز در قالب شرایط علی، مقوله محوری، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها، طبقه‌بندی و به‌صورت نظری در قالب مدل الگو به هم مرتبط شدند. در

کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی)، با توجه به مفهوم‌ها و کدهای شناسایی شده، گزینش نهایی انجام شد و پژوهشگران در پی خالص کردن تحلیل‌های خود به منظور پدیداری مقوله اصلی برآمدند. جهت بررسی روایی و پایایی داده‌ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت‌کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

یافته‌ها

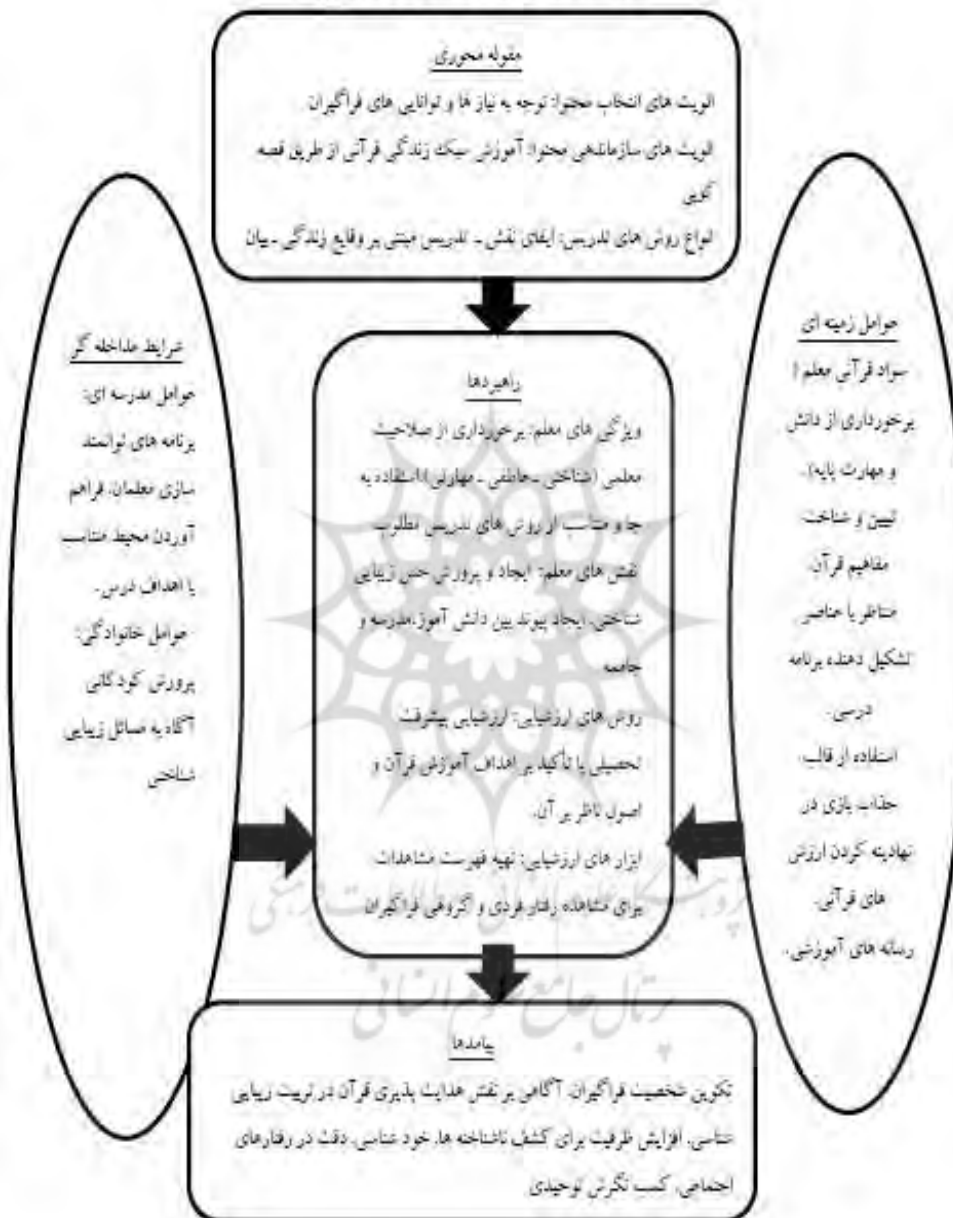
در پاسخ به سؤال اول پژوهش، داده‌های کیفی گردآوری شده از فرایند اجرای مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با افراد نمونه پژوهش به صورت کدگذاری باز، تجزیه و تحلیل شد. اجرای فرایند کدگذاری باز روی داده‌های کیفی گردآوری شده، ابتدا به استخراج تعداد زیادی ویژگی و مفهوم منجر شد که با بررسی‌های مجدد و بازنگری‌های انجام شده و بر اساس مشابته‌ها و اشتراکات مفهومی، این مفاهیم و ویژگی‌ها تقلیل یافتند و دسته‌بندی شدند. در ادامه، این ویژگی‌ها و مفاهیم استخراج شده به هجده مقوله فرعی تبدیل و نهایتاً از این مقوله‌های فرعی ده مقوله اصلی ایجاد شد. یافته‌های به دست آمده از فرایند اجرای کدگذاری در جدول (۲) آمده است. بعد از فرایند کدگذاری باز، یافته‌های پژوهش در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری (شکل ۱) شامل شرایط علی: به عنوان عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مطالعه شده؛ مقوله محوری: به عنوان اتفاق اصلی که یک سلسله‌کنش‌های متقابل برای اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود؛ راهبردها: به عنوان کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شوند و روش‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه ارائه می‌کند؛ زمینه: به عنوان یک سری خصوصیات ویژه که در آن کنش متقابل برای کنترل اداره و پاسخ به پدیده انجام می‌شود؛ شرایط مداخله‌گر: به عنوان شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند و پیامدها: به عنوان خروجی حاصل از استخدام راهبردها (کرسول، ۲۰۱۴) با توجه به مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به هر قسمت، چگونگی طراحی برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم چه را منعکس می‌کنند. این فرایند نیز همراه با جدول (۲) با عنوان کدگذاری محوری ارائه شده است.

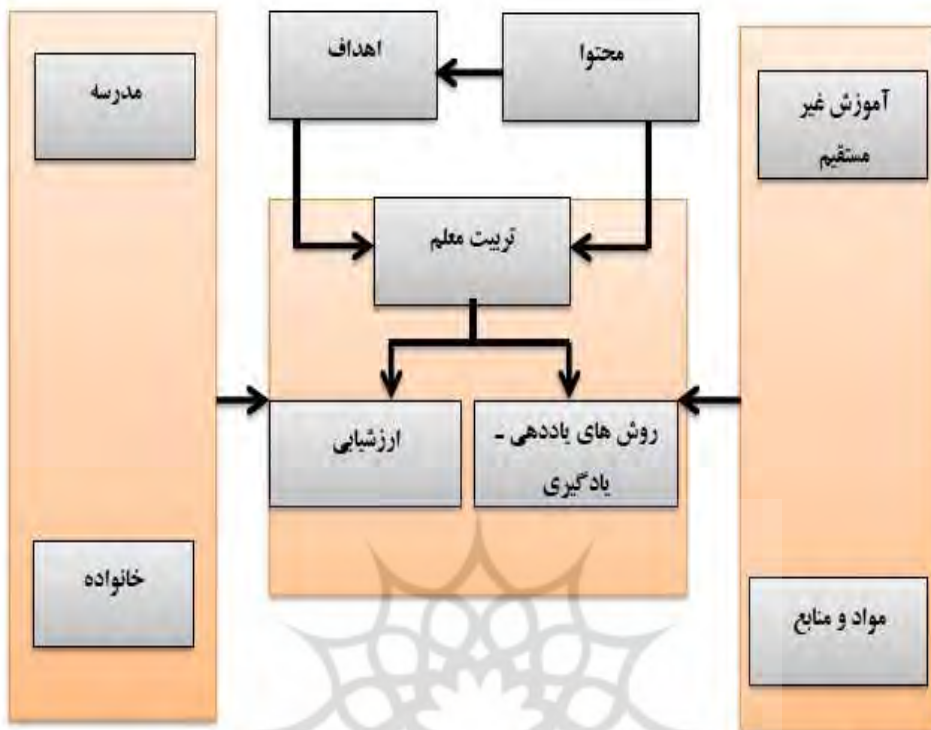
جدول ۱: یافته‌های استخراج‌شده از فرایند کدگذاری باز و مقوله‌های کدگذاری محوری

کدگذاری باز		کدگذاری محوری
مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	
<p>۱,۱. اثبات حقانیت قرآن و دین اسلام؛ ۱,۲. صدق دعوت نبوی؛ ۱,۳. ارائه رهنمودهای هدایتی؛ ۱,۴. اثبات معاد و هدف‌داربودن خلقت؛ ۱,۵. تعلیم و تربیت دینی و معنوی؛ ۱,۶. درک وحدت الهی و نورانیت وجود؛ ۱,۷. خودسازی و کسب معرفت نفس.</p>	<p>۱. ضرورت و اهداف</p>	<p>شرایط علی</p>
<p>۲,۱. اولویت‌های انتخاب محتوا: به‌کارگیری مضامین محسوس و ملموس جهت تأثیرگذاری بیشتر بر فراگیران (از جمله بیان زیبایی‌های طبیعی مانند آیه ۶ سوره صافات، آیه ۱۶ سوره حجر و آیه ۵ سوره حج)؛ توجه به نیازها و توانایی‌های فراگیران و رعایت الزامات اجتماعی در تدوین اهداف و گزینش محتوا. ۲,۲. اولویت‌های سازمان‌دهی محتوا: توجه به وسعت و گستردگی‌های موردنیاز؛ اشاره به اعجاز حسی (سوره فیل) و اعجاز علمی (عبس، ۲۴)؛ سیر در طبیعت در آیات قرآنی (یس، ۳۳ و ۳۴)؛ آموزش سبک زندگی قرآنی از طریق قصه‌گویی.</p>	<p>۲. محتوا</p>	<p>مقوله محوری</p>
<p>۱,۳. انواع روش‌های تدریس: قصه‌پردازی با هدف عینی‌کردن مفاهیم قرآنی؛ روش تصویری جهت ارتقای سواد تصویری فراگیران بر اساس آیات و اعجاز قرآن (اعجاز علمی)؛ روخوانی و روان‌خوانی اعجاز قرآن با تأکید بر حیطه‌های مهارتی نسبت به شناخت و دانش‌افزایی؛ ایفای نقش؛ روش پرسش و پاسخ؛ بحث گروهی؛ تدریس مبتنی بر وقایع زندگی با بیان مثال‌های ملموس قرآنی؛ بیان تجارب زیسته و حقیقی فراگیران.</p>	<p>۳. روش‌های یاددهی و یادگیری</p>	
<p>۴,۱. ویژگی‌های معلم: برخورداری از صلاحیت معلمی (شناختی و عاطفی و مهارتی)؛ آگاهی؛ تأثیرگذاری و پرورش روحیه توحیدی در فراگیران؛ استفاده بجا و متناسب از روش‌های تدریس مطلوب. ۴,۲. نقش‌های معلم: تواناساختن کودکان به بیان احساسات، تجارب و ایده‌های خود؛ پرورش ویژگی‌های شخصیتی و اخلاق قرآنی (آیه ۸۵ سوره حجر)؛ کمک به کودک در شناخت خود و رسیدن به هویت؛ ایجاد و پرورش حس زیبایی‌شناختی؛ ایجاد پیوند بین دانش‌آموز و مدرسه و جامعه.</p>	<p>۴. تربیت معلم</p>	<p>راهبردها</p>

<p>۵,۱. روش‌های ارزشیابی: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با تأکید بر اهداف آموزش قرآن و اصول ناظر بر آن؛ ارزشیابی کتبی و شفاهی؛ ارزشیابی بر مبنای تغییر رفتار دانش‌آموزان؛ خودارزیابی.</p> <p>۵,۲. ابزارهای ارزشیابی: تهیه فهرست مشاهدات برای مشاهده رفتار فردی و گروهی فراگیران؛ استفاده از پوشه کارنما؛ آزمون عملکردی.</p>	<p>۵. ارزشیابی</p>	
<p>۶,۱. سواد قرآنی معلم (برخورداری از دانش و مهارت پایه) ۶,۲,۰. تبیین و شناخت مفاهیم قرآنی متناظر با عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی. ۶,۳. تعمیق بینش الهی فراگیران. ۶,۴. تأثیر فضای ظاهری. ۶,۵. مثال‌آوری در القا و تفهیم آموزه‌های دینی. ۶,۶. استفاده از قالب جذاب بازی در نهادینه‌کردن ارزش‌های قرآنی.</p>	<p>۶. آموزش غیرمستقیم</p>	<p>عوامل زمینه‌ای</p>
<p>۷,۱. رسانه‌های آموزشی (کتاب درسی، لوح‌ها و چارت‌های آموزشی، کتاب داستان، فیلم‌های آموزشی و ابزار الکترونیک).</p>	<p>۷. مواد و منابع</p>	
<p>۸,۱. عوامل مدرسه‌ای: برنامه‌های توانمندسازی معلمان؛ فراهم‌آوردن محیط متناسب با اهداف درس. هماهنگی و هم‌سویی مدرسه با سایر نهادها؛ آموزش آداب و مهارت‌های زندگی.</p>	<p>۸. مدرسه</p>	<p>شرایط مداخله‌گر</p>
<p>۹,۱. عوامل خانوادگی: تداوم ارتباط مادرانه از خانه تا کلاس درس؛ پرورش کودکانی آگاه به مسائل زیبایی‌شناختی؛ فراهم‌کردن بستری مناسب برای کسب بینش نسبت به خدا؛ تعامل و مشارکت همه‌جانبه با مدرسه.</p>	<p>۹. خانواده</p>	
<p>۱۰,۱. تکوین شخصیت فراگیران. ۱۰,۲. انتقال اندیشه و ارزش‌های والای اخلاقی. ۱۰,۳. پرورش سجایای انسانی. ۱۰,۴. تقویت روحیه حق‌پذیری. ۱۰,۵. دقت در رفتارهای اجتماعی. ۱۰,۶. آگاهی بر نقش هدایت‌پذیری قرآن در تربیت زیبایی‌شناسی. ۱۰,۷. تحکیم ارتباط فراگیران با قرآن. ۱۰,۸. الگوپذیری از آموزه‌های دینی. ۱۰,۹. مشارکت و آگاه‌کردن به مسائل زیبایی. ۱۰,۱۰. عشق به خالق هستی. ۱۰,۱۱. کسب نگرش توحیدی. ۱۰,۱۲. خودشناسی. ۱۰,۱۳. رشد ایمان و جهت‌دهی به حرکت انسان با تکیه بر مفاهیم قرآنی (حجرات، ۷). ۱۰,۱۴. افزایش ظرفیت برای کشف ناشناخته‌ها.</p>	<p>۱۰. فواید الگو</p>	<p>پیامدها</p>

شکل ۱. کنگذگناری محوری بر اساس الگوی پارادایم





شکل ۲. الگوی مفهومی نهایی برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم به چه صورت است، از روش لینکلن و گو استفاده شد؛ همچنین از بررسی روایی و پایایی داده‌ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت‌کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد؛ بنابراین پس از تهیه الگوی نهایی و در راستای اعتبارسنجی آن، همچنان که اشاره شد از نظرات دوازده تن از اساتید دانشگاه و متخصصان نیز استفاده شد که الگوی مذکور، مورد تایید این افراد نیز قرار گرفت. شکل (۲) مدل مفهومی نهایی برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم بر اساس کدگذاری انتخابی را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا الگوی برنامه‌دستی تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌ها و اعجاز قرآن کریم با استفاده از روش داده‌بنیاد مورد بررسی قرار گیرد. داده‌ها در طی سه مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی تحلیل شدند که در قالب مدل اولیه و مدل نهایی دربرگیرنده ضرورت و اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی و یادگیری، تربیت معلم، ارزشیابی، آموزش غیرمستقیم، مواد و منابع، مدرسه، خانواده و فواید الگو شکل گرفت. دوره ابتدایی در راستای اهداف و رسالت‌های آموزش و پرورش باید پاسخگوی نیاز و دغدغه‌های فعلی و آینده فراگیران باشد و نقش سازنده‌ای در راستای حل مسائل و ارتقا و رشد همه‌جانبه فراگیران داشته باشد. نظام‌های تعلیم و تربیت همواره در پی روش‌هایی برای ارتقای کیفیت و تربیت و شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان‌اند؛ اما غالباً یک منظر اساسی تربیتی به‌علت سیطره و حاکمیت باارزش‌تر تلقی‌کردن علم در تعلیم و تربیت مغفول مانده و یا اهمیت کمتری به آن داده شده است و آن تربیت زیبایی‌شناسانه است که در دوره ابتدایی اهمیت وافر دارد. تربیت زیبایی‌شناسی نه تنها به تلطیف عواطف و تعالی بینش و تعادل احساسات آدمی یاری می‌رساند، بلکه یک حوزه معرفتی را نیز گسترش می‌دهد. صرف‌نظر از وجه شناختی یا عاطفی و رفتاری هنر و زیبایی‌شناسی، توجه‌نکردن به آن در نظریه‌پردازی تربیتی به‌ویژه تربیت اسلامی و همچنین استفاده‌نکردن از آن در روش‌های تربیتی، در واقع بی‌توجهی به یکی از راه‌های شناخت انسان از جهان و پدیده‌های آن و نیز محروم‌ساختن افراد از توانایی‌ها، مهارت‌ها و تجربه‌هایی است که به‌عنوان دریافت و درک زیبایی‌شناسی از آن یاد می‌شود. این در حالی است که زبان هدایت بشر زبان زیبایی‌شناختی است و از آنجاکه هدایت و تربیت انسان‌ها نیز مبتنی بر فطرت پاک انسان است و تأکید اسلام نیز بر توجه به فطرت و سعی در بیدارسازی آن است؛ پس اگر تربیت انسان بر اساس فطرت باشد، هیچ زبانی بهتر از زیبایی‌شناسی و هیچ هدفی بهتر از رسیدن به خداوند که ذاتش عین زیبایی و آفریده‌هایش نمود زیبایی‌اند، نیست. مبانی زیبایی‌شناسی الهامات زیادی برای تدوین و تغییر برنامه درسی فراهم می‌نماید که می‌توان در کنار استلزامات منبث از مبانی دیگر به آن‌ها توجه قرار کرد. بر این اساس نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کرمی و یوسف‌زاده (۱۳۹۷)، روحانی‌سراجی و دیگران (۱۳۹۸)، تلخابی (۱۳۹۸)، نادری و

دیگران (۱۳۹۷)، ریمر (۱۹۸۰)، ملکی و دیگران (۱۳۹۴)، اسدیان و عزیزی (۱۳۹۷)، ونگ (۲۰۰۵)، آیزنر، اسمیت و والانس هم‌خوانی دارد؛ همچنین با تحقیقات دیویی در زمینه لزوم پرداخت به تربیت زیبایی‌شناسی در حوزه تعلیم و تربیت تقریباً هم‌سواند. در تحقیق حاضر سعی شد مبانی از آموزه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم استخراج شود و بر اساس آن الگوی برنامه‌ی درسی تربیت زیبایی‌شناسی ارائه شود که آرمان آن قرب الهی است؛ پس الگوی پیشنهادی پژوهش در زمینه تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم طراحی شد تا حرکتی به سمت تخصصی‌کردن الگوهای عملکردی در زمینه تربیت زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی بر مبنای آموزه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم باشد؛ لذا این مهم همواره باید مدنظر متخصصان برنامه‌ی درسی و مدیران و معلمان مدارس قرار گیرد. در این راستا پیشنهادهای زیر می‌تواند مفید واقع شوند:

- تجدیدنظر اساسی در رویکرد تربیت معلمان در کشور و تغییر برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان در راستای توجه به تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی؛
- ارتقای سطح دانش و نگرش و مهارت معلمان فعلی نظام آموزشی در خصوص اهمیت توجه به مؤلفه‌های عاطفی و زیبایی‌شناسی در فرایند تدریس، به‌ویژه تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی به واسطه برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها و سمینارهای آموزشی؛
- تغییر و بهبود فضاهای آموزشی موجود در مدارس با توجه به عناصر و مؤلفه‌های تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی؛
- تأکید مداوم بر اهمیت حوزه عاطفی در یادگیری‌های دانش‌آموزان در حوزه شناختی و ایجاد ارتباطی مداوم بین این دو حوزه از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ارسال مقاله‌ها و مجله‌هایی مرتبط در این راستا برای مدارس؛
- تأکید مداوم بر اهمیت تلفیق هنر در تدریس تمام موضوعات درسی از طرق مختلف برای مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و فرهنگ‌سازی لازم در این خصوص.

پی‌نوشت

۱. وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
۲. وَأَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ
۳. وَصَوَّرْنَاكُمْ فَآخَسَنَ صُورَكُمْ ۝

5. Education
6. Aesthetic Education
7. Maxine Greene
8. Dolapçioğlu, Gürkan & Karakus
9. Papushyna
10. Dewey
11. Curriculum
12. Riemer
13. wong
14. aesthetic knowing
15. Croswell
16. Strauss and Corbin
17. Eisner
18. Smite
19. Vallanse
20. Lopez & Juliana
21. Engel
22. Brodén, Daniel
23. Belesis
24. Albers, Flint & Matthews
25. Inocian

منابع

قرآن کریم

اسدیان، سیروس و قادر عزیزی. (۱۳۹۷). «تدریس مبتنی بر زیبایی‌شناسی؛ رویکردی جهت بهبود نگرش دانش‌آموزان به مدرسه»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۶.

پورحسینی، محمد؛ سیدمهدی سجادی و محسن ایمانی. (۱۳۹۳). «تبیین دلالت‌های دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی برای فرایند تدریس و یادگیری»، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، شماره ۷.

پورسلیم، عباس؛ محبوبه عارفی و کورش فتحی‌اجارگاه. (۱۳۹۸). «کاوش عناصر برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی و دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران: یک مطالعه کیفی»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۳.

- تلخایی، محمود. (۱۳۹۸). «برنامه‌ی درسی تجربه‌شده‌ی آموزش ابتدایی در دانشگاه فرهنگیان تهران»، فصلنامه‌ی روان‌شناسی‌شناختی، شماره ۴.
- جاویدی‌کلاته‌جعفرآبادی، طاهره و افسانه عبدلی. (۱۳۹۶). «زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین گرین و اشارات تربیتی آن»، رویکردهای نوین آموزشی، شماره ۲.
- حسین‌پور، داوود؛ علی‌رضا صادق‌زاده‌قمصری و رضا اکبریان. (۱۳۹۳)، «تحلیل مناسبات ادراکات زیبایی‌شناختی و تربیت و تبیین مبانی و اصول تربیت زیبایی‌شناختی از دیدگاه شهید مطهری و علامه جعفری»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۱.
- خرقانی، حسن. (۱۳۸۹). «قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی»، فصلنامه‌ی تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۳.
- دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه‌ی مدیریت، شماره ۲.
- رشیدی، شیرین. (۱۳۹۸). «مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۲.
- روحانی‌سراجی، سیدداوود؛ سیدجواد قنذیلی؛ مقصودامین خندقی و محمدامین رضایی‌کرمانی‌نسب‌پور. (۱۳۹۸). «برنامه‌ی درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه‌السلام: حاکمیت توحید و اخلاق»، نشریه علمی پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۴.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ حسن نجفی؛ نجمه احمدآبادی‌آزانی و علی عبدالله‌یار. (۱۳۹۸). «دلالت‌های برنامه‌ی درسی چندفرهنگی میشل فوکو و هنری ژیرو بر اصلاح و بازطراحی برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی ایران»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۳.
- سعیدی، ایمان و حسن دارابی. (۱۳۹۳). «بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث»، دوفصلنامه‌ی تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱.
- شافعی، کیوان؛ انور خالندی و مهدی قادرنژاد. (۱۳۹۷). «بررسی معرفت‌شناختی هنر و زیبایی‌شناسی اسلامی بر اساس قرآن و سنت»، دوفصلنامه‌ی علمی ترویجی قرآن و علم، شماره ۲۳.

- شریف‌زاده، حکیمه‌سادات؛ ناصر تسلیمیان، ناصر و محمدعلی جوادی‌بورا. (۱۳۹۵). «جایگاه زیبایی‌شناسی در تعالی تربیت دینی»، *دوفصلنامه فلسفه تربیت*، شماره ۱. طهماسب‌زاده‌شیخ‌لار، داوود و جمیله علم‌الهدی. (۱۳۹۸). «ظرفیت‌های برنامه‌درسی در مواجهه با تعلیم آموزه‌های دینی با الهام از رویکرد زیبایی‌شناسی»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، شماره ۱۲.
- طهماسب‌زاده‌شیخ‌لار، داوود. (۱۳۹۳). «مدل مفهومی برنامه‌درسی مبتنی بر رویکرد زیبایی‌شناسی»، پایان‌نامه دکتری، رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، ذکیا؛ حسن ملکی و سعید بهشتی. (۱۳۹۸). «طراحی الگوی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم از دیدگاه تفسیرالمیزان بر اساس روش داده‌بنیاد»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، شماره ۲.
- فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). *به‌سوی هویت‌های جدید برنامه‌درسی*، تهران: انتشارات آبیژ.
- کاویانی، صدیقه. (۱۳۹۸). «تبیین مبانی زیبایی‌شناختی حیات طیبه با تکیه بر آیات»، *فصلنامه علمی‌ترویجی در حوزه اخلاق*، شماره ۳۵.
- کرمی، زهره و محمدرضا یوسف‌زاده. (۱۳۹۷). «ارائه چهارچوب پیشنهادی کاربردی برای معلمان جهت تربیت زیبایی‌شناسی کودکان با تأکید بر گفتمان زیبایی‌شناسی دیویی و اشتاینر و ویگوتسکی»، *فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم*، شماره ۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ محمدصالح بن‌احمد مازندرانی؛ ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری. (۱۳۴۲). *الکافی الاصول و الروضة*، تهران (ایران): المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع.
- معروفی، یحیی؛ حسین حسینی و نعمت‌الله موسی‌پور. (۱۳۹۸). «کاوش برنامه‌درسی اجراشده دروس تربیتی؛ نظریه‌ای داده‌بنیاد»، *مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های برنامه‌درسی*، شماره ۱.
- ملکی، حسن؛ حسن‌علی گرمابی؛ سعید بهشتی و رضا افهمی. (۱۳۹۴). «طراحی و اعتباریابی الگوی بومی برنامه‌درسی دوره ابتدایی مبتنی بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر»، *فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان*، شماره ۲.

نادری، عزت‌الله؛ مریم سیف‌نراقی و آناهیتا بحرینی‌زاده. (۱۳۹۷). «ارائه‌الگویی به‌منظور پرورش ذهنیت فلسفی در برنامه‌درسی ریاضی دوره‌ابتدایی»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۴.

نوربخش، جواد و محمدنبی خیرآبادی. (۱۳۹۸). «بررسی ساحت هنری و زیبایی‌شناختی کتاب ریاضی سوم ابتدایی»، فصلنامه پویا در آموزش علوم پایه، شماره ۱۵.

- Albers, Peggy; Flint, Amy Seely; Matthews, Mona (2019) *Transformation of Instructional Practice through Aesthetic Experiences*» *Global Education Review*, n2.
- Belesis, Georgia (2020) *The Role of the Aesthetics within AP History Courses*», *Social Education*, n3.
- Brodén, Daniel (2020) «*Acknowledging Ambivalence in Teaching about Art and Aesthetics*», *Educational Theory*, n1.
- Croswell, J and Clarke, W (2005), *Mixed research methods*; translated by Alireza Kayamanesh and Javid Sarai (2011), Tehran: Aij.
- Dolapçioğlu, Sevda and Gürkan, Burcu and Karakus, Memet (2019) «*Aesthetics and Aesthetic Creativity in Social Studies = Sosyal bilgiler dersinde estetik ve estetik yaratıcılık*», *Pegem Journal of Education and Instruction*, n3.
- Engel, Juliane (2020) «*The Materiality of Biographical Knowledge -- Ethnography on Aesthetic Practices*», *Ethnography and Education*, n3.
- Inocian, Reynaldo B. (2013) *Transitional curriculum in aesthetic a test for self-efficacy*, *European scientific Journal*, n31.
- Lopez De Mesa, Juliana Acosta (2018) «*Peirce and Aesthetic Education*», *Journal of Philosophy of Education*, n2.
- Papushyna, Valentyna (2017) «*Forming Pedagogical Aesthetic Culture of Students in British Experience*», *Comparative Professional Pedagogy*, n3.
- Reimer, Bennett (1980) «*Building an Aesthetic Education Curriculum: A Model and Its Application*», *High School Journal*, n2.
- Strauss, Anselm and Corbin, Juliet (1998), *Basics of qualitative research, techniques and stages of production of G.T theory*; translated by Ibrahim Afshar(2012), Tehran: Ney.